



صفحه ۳۸ تا ۵۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸

شیوه و شگردهای شبکه‌های فارسی زبان ماهواره‌ای در تشدید ناآرامی‌ها (مورد مطالعه: برنامه‌ی چشم‌انداز شبکه‌ی ایران اینترنشنال در ناآرامی‌های ۱۴۰۱)

ابوالحسن رشیدی مژده‌ی^۱، محمد حدادی^۲، حامد اردلانی^۳

چکیده

در مرحله‌ای حساس از ناآرامی‌های ۱۴۰۱ ایران، برخی رسانه‌های فارسی‌زبان برون‌مرزی، از جمله شبکه ایران اینترنشنال، رویکرد خود را از اطلاع‌رسانی صرف به کنشگری فعال در جهت تشدید بحران تغییر دادند. پژوهش حاضر به بررسی شگردهای رسانه‌ای این شبکه در مرحله تشدید ناآرامی‌ها می‌پردازد؛ مرحله‌ای که در آن، با بهره‌گیری از تکنیک‌های رسانه‌ای خاص، تلاش شد اعتراضات از سطح نارضایتی به سطح اغتشاش و خشونت ساختاری ارتقاء یابد.

با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و ابزار MaxQDA، تعداد ۸۸ برنامه «چشم‌انداز» در بازه زمانی شهریور تا آذر ۱۴۰۱ مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که این رسانه با بهره‌گیری از شیوه‌هایی نظیر عادی‌سازی خشونت خیابانی، تصویرسازی از سقوط قریب‌الوقوع نظام، تحریک مخاطب از طریق نمادهای احساسی، و بازنمایی خشن از عملکرد نهادهای امنیتی، سعی در تزریق بحران به بطن جامعه داشت.

نتایج پژوهش، با تکیه بر مفاهیم پدافند غیرعامل شناختی و جنگ رسانه‌ای، نشان می‌دهد که ایران اینترنشنال در این مرحله به جای بازنمایی واقعیت، به تولید بحران از مسیر عملیات روانی پرداخت. بر همین اساس، راهکارهایی برای افزایش تاب‌آوری روانی و مقابله با الگوهای خشونت‌افزای رسانه‌ای ارائه شده است.

واژگان کلیدی: تشدید ناآرامی، رسانه فارسی‌زبان، عملیات روانی، جنگ شناختی، ایران اینترنشنال، تحلیل محتوا، امنیت ملی

۱. دکترای مدیریت رسانه و عضو هیئت علمی دانشکده علوم و فنون فارابی

۲. دکترای حرفه‌ای دانشگاه عالی دفاع ملی

۳. کارشناس ارشد امنیت ملی (نویسنده مسئول) hamedardalani89@gmail.com



Methods and Tactics used by Satellite Persian Networks in Intensifying Disorder

(Case Study: Iran International Network Vision Program)

Abolhasan Rashidi Mojdehi¹, Mohammad Hadadi², Hamed Ardalani³

Abstract

This study investigates the media strategies employed by the Persian-language satellite network Iran International during the escalation phase of the 2022 unrests in Iran. At this critical stage, the media shifted from mere coverage to active participation in intensifying the crisis. By normalizing violence, amplifying emotional narratives, promoting collapse scenarios, and glorifying unrest leaders, the network aimed to radicalize public opinion and turn civil protests into violent confrontation.

Using a qualitative content analysis method and MaxQDA software, 88 episodes of the “Cheshmandaz” program aired between September and December 2022 were examined. The findings show that techniques such as violence normalization, revenge-driven incitement, state collapse projection, and symbolic hero-making were systematically utilized to erode national cohesion and psychological security.

This paper evaluates these tactics within the framework of cognitive warfare and media psychology and offers policy recommendations for countering violent media operations during high-risk crises.

Keywords: Iran International; 2022 Iran unrests; Escalation phase; Media warfare; Cognitive security; Psychological operations; Cheshmandaz program

1. Ph.D in Media Management and Academic Member, Faculty of Farabi Science & Technology

2. Professional Ph.D, Supreme National Defense University

3. M.S in National University (Writer-in-charge) hamedardalani89@gmail.com



جستار گشایی

وقتی اعتراضات وارد مرحله‌ای از تنش شدید و خشونت‌آلود می‌شوند، رسانه‌ها به ابزارهای مستقیم بی‌ثبات‌سازی تبدیل می‌گردند. در چنین وضعیتی، مرز میان اطلاع‌رسانی و مداخله‌گری رسانه‌ای از بین می‌رود و برخی شبکه‌ها به بازیگران صحنه خشونت تبدیل می‌شوند.

در ناآرامی‌های ۱۴۰۱، شبکه ایران اینترنشنال در مقطعی مشخص، از موضع یک ناظر به موضع محرک خشونت گذر کرد. شواهد نشان می‌دهد که در مرحله تشدید بحران، این رسانه با استفاده از تصاویر احساسی، تحلیل‌های هیجانی و تکرار فضای بی‌ثباتی، فاز جدیدی از تحریک عمومی را رقم زد.

مسئله اصلی این پژوهش، واکاوی تکنیک‌های رسانه‌ای مؤثر در تبدیل اعتراضات به آشوب‌های خشونت‌محور است. سؤال کلیدی این است که چه شگردهایی از سوی رسانه ایران اینترنشنال در مرحله تشدید ناآرامی‌ها استفاده شد و چه پیامدهایی برای امنیت روانی جامعه داشت؟

مبانی نظری و مفاهیم

در پژوهش حاضر، مفاهیم نظری مرتبط با عملکرد رسانه‌ها در فرآیند تشدید بحران‌های اجتماعی و امنیتی، چارچوب اصلی تحلیل را تشکیل می‌دهد. برای درک این پدیده، به تبیین مفاهیمی نظیر امنیت ملی، تشدید بحران، خشونت رسانه‌ای، جنگ شناختی و نظریه‌های ارتباطی تأثیرگذار می‌پردازیم.

امنیت ملی در عصر رسانه

امنیت ملی در دنیای رسانه‌ای شده، دیگر صرفاً به تهدیدات نظامی محدود نمی‌شود، بلکه عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، روانی و ادراکی را نیز دربر می‌گیرد. طبق دیدگاه «بوزان» (۱۹۹۱)، امنیت اجتماعی و روانی، یکی از مؤلفه‌های اصلی امنیت ملی است که در معرض تهدیدات نرم از جمله جنگ رسانه‌ای قرار دارد. در این چارچوب، اختلال در ادراک عمومی، بی‌اعتمادی اجتماعی و ترس عمومی، مصادیقی از تهدیدات امنیتی نوین محسوب می‌شوند.

مفهوم تشدید ناآرامی‌ها

تشدید بحران، مرحله‌ای پیشرفته از چرخه ناآرامی است که پس از عبور از مراحل برانگیختن،



گسترش و تداوم رخ می‌دهد. در این مرحله، هدف معترضان یا کنشگران برانداز، تغییر ساختار نظام سیاسی از طریق خشونت علنی و گسترش ناامنی در ابعاد میدانی و روانی است. به تعبیر «چارلز تیلی» (۲۰۰۶)، تشدید بحران زمانی رخ می‌دهد که کنش اعتراضی وارد فاز بی‌ثبات‌سازی ساختاری شود و نقش بازیگران رسانه‌ای در این مرحله، تداوم‌بخشی به تخصم و بی‌ثبات‌سازی ذهنی مخاطب است.

خشونت رسانه‌ای و مشروعیت‌زدایی حداکثری

خشونت رسانه‌ای مفهومی است که به کاربرد خشونت در پیام‌های رسانه‌ای یا تحریک مخاطب به خشونت اطلاق می‌شود. این خشونت می‌تواند فیزیکی (از طریق تصاویر خونین و شوک‌آور) یا شناختی (از طریق القای خشم، نفرت یا اضطراب) باشد. رسانه‌هایی نظیر ایران اینترنشنال، با تکرار این‌گونه پیام‌ها، عملاً در پدیده خشونت‌افزایی سهیم می‌شوند. در مرحله تشدید، این رسانه‌ها از تکنیک‌هایی نظیر نمایش صحنه‌های درگیری، قربانی‌سازی، دعوت غیرمستقیم به مقابله خیابانی، و قهرمان‌سازی از اغتشاشگران بهره می‌برند.

جنگ شناختی و عملیات روانی رسانه‌ای

در جنگ‌های ترکیبی نوین، عملیات رسانه‌ای نقش پررنگی در بی‌ثبات‌سازی کشورها دارد. جنگ شناختی^۱ به معنای تلاش برای تخریب سیستم ادراکی مخاطب است تا برداشت او از واقعیت دچار تغییر شود. به تعبیر «مک‌کویل» (۲۰۱۰)، رسانه‌ها توانایی خلق واقعیت اجتماعی و هویت‌سازی سیاسی دارند. این قابلیت در مرحله تشدید بحران، به ابزار اصلی جهت مشروعیت‌زدایی از ساختار حاکم بدل می‌شود.

چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر از ترکیب سه نظریه بهره می‌گیرد:

۱) نظریه پنجره اُرتون^۲:

که نشان می‌دهد چگونه رسانه می‌تواند اعمال غیرقابل قبول مانند اغتشاش یا خشونت خیابانی را در افکار عمومی به تدریج قابل پذیرش کند.

1. Cognitive Warfare
2. Overton Window



۲) نظریه مارپیچ خشونت رسانه‌ای:

بر پایه این فرض که تکرار پیام‌های خشونت‌آمیز در رسانه‌ها موجب عادی‌سازی و سپس تقویت کنش‌های خشونت‌بار در جامعه می‌شود.

۳) نظریه برجسته‌سازی^۱:

که بر تأثیر رسانه در تعیین اولویت‌های ذهنی مخاطبان تأکید دارد؛ در این پژوهش، برجسته‌سازی خشونت و القای بحران، محور تحلیل است.

روش پژوهش

این مطالعه از نظر هدف، در زمره تحقیقات کاربردی و مسئله‌محور قرار می‌گیرد و از منظر ماهیت، یک پژوهش کیفی با رویکرد اکتشافی-تحلیلی است. تمرکز اصلی پژوهش بر شناسایی شگردهای رسانه‌ای مرحله تشدید ناآرامی‌ها و درک ابعاد روانی و ارتباطی این عملکرد در چارچوب تهدیدات امنیت ملی است.

۱. جامعه و نمونه پژوهش

جامعه پژوهش، تمامی قسمت‌های برنامه «چشم‌انداز» شبکه ایران اینترنشنال است که در بازه زمانی ۱ شهریور تا ۳۰ آذر ۱۴۰۱ پخش شده‌اند؛ یعنی همان مقطع زمانی که اوج ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ در ایران رخ داد. این برنامه به دلیل ساختار تحلیلی، حضور مهمانان کنشگر، و جهت‌گیری رسانه‌ای آشکار، به عنوان بستر اصلی بررسی انتخاب شد.

در مجموع، ۸۸ قسمت از این برنامه به صورت تمام‌شمار^۲ وارد فرایند تحلیل شدند.

۲. روش گردآوری و تحلیل داده‌ها

فرآیند گردآوری داده‌ها با رصد مستقیم محتوای تصویری برنامه‌ها و طراحی سیاهه تحلیل از سوی پژوهشگر انجام شده است. تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار MaxQDA صورت گرفته است. این نرم‌افزار قابلیت دسته‌بندی و کدگذاری مقوله‌ها، پیوند کدها با داده‌ها، ترسیم درخت مفهومی و تحلیل فراوانی‌ها را در محیط کیفی فراهم می‌کند.

۳. اعتبار و پایایی تحقیق

به منظور سنجش اعتبار پژوهش، اقدامات زیر انجام شد:

1. Agenda Setting
2. Census Sampling



- روایی محتوایی: ابزار تحلیل (سیاهه کدگذاری) با کمک ادبیات نظری، بررسی منابع مشابه و مشاوره با اساتید حوزه امنیت رسانه‌ای طراحی و بازبینی شد.
- پایایی کدگذاری: با بهره‌گیری از روش کدگذاری دوکدگذاره، توافق بین کدها محاسبه شد و ضریب هالستی^۱ برای سنجش میزان تطابق به کار رفت. ضریب به دست آمده ۰٫۷۲ بود که نشان دهنده پایایی قابل قبول تحلیل است.

۴. رویکرد تحلیل

تحلیل محتوای کیفی در سه مرحله انجام شد:

- کدگذاری باز: شناسایی اولیه مفاهیم مرتبط با خشونت‌افزایی رسانه‌ای، القای بحران، و تحریک مخاطب.
- کدگذاری محوری: جمع‌بندی کدهای هم‌خانواده در قالب شش مقوله اصلی: دعوت به خشونت، نمادسازی خشن، ایجاد ترس، تصویرسازی فروپاشی، مشروعیت‌زدایی شدید و تحریک انتقامی.
- تحلیل تماتیک: استخراج تم‌های محوری مانند «خشونت به مثابه مقاومت»، «امنیت به مثابه سرکوب»، و «حکومت به مثابه دشمن».

خروجی نرم‌افزار MaxQDA، از طریق خبرگان مورد کدگذاری به شرح جدول شماره ۱ با درج فراوانی قرار گرفت.

جدول شماره ۱: فراوانی مؤلفه‌های مؤثر بر تشدید ناآرامی

کد	شرح کد	فراوانی	درصد فراوانی	رتبه‌بندی
D۱	پوشش خبری متمرکز بر خشونت هر دو طرف (معترضان و نیروهای مقابل)	۳۰۰۴	٪۸٫۱۹	۲
D۲	برجسته نمودن و تمرکز بر روی اختلافات و تنش‌های موجود به خصوص عدالت‌طلبی	۲۵۷۴	٪۷٫۰۲	۷
D۳	ایجاد قطب‌بندی‌های اجتماعی و سیاسی	۲۳۷۰	٪۶٫۴۶	۱۰
D۴	انتشار سریع اطلاعات	۲۲۷۹	٪۶٫۲۱	۱۲



D۵	سازماندهی تجمعات	۱۱۹۴	٪۳,۲۶	۱۵
D۶	تشدید احساسات عمومی از طریق پوشش احساسی و احیاناً جانبدارانه	۲۵۵۸	٪۶,۹۷	۸
D۷	ایجاد دو قطب سازی و تأکید بر «ما در برابر آن‌ها»	۲۶۹۰	٪۷,۳۳	۵
D۸	انتشار اخبار فوری و غیرقطعی به منظور افزایش سردرگمی و اضطراب	۲۲۹۵	٪۶,۲۶	۱۱
D۹	بازتاب روایت‌های تحریک‌آمیز و بیانیه‌های گروه‌های معترض و مخالف	۳۳۵۳	٪۹,۱۴	۱
D۱۰	تکرار مداوم ناکارآمدی یا اشتباهات مسئولان و نهادهای حکومتی	۲۸۸۸	٪۷,۸۷	۳
D۱۱	تقویت احساس بی‌اعتمادی به رسانه‌های رسمی و مسئولان	۲۸۱۵	٪۷,۶۷	۴
D۱۲	ایجاد همدلی با معترضان با داستان‌پردازی انسانی و قربانی‌سازی	۱۷۵۰	٪۴,۷۷	۱۴
D۱۳	بازتاب اعتراضات مشابه در نقاط دیگر برای تشویق به اقدام مشابه	۲۴۳۳	٪۶,۶۳	۹
D۱۴	بازتاب برخورد نیروهای نظام با معترضین و کشته‌سازی	۲۶۷۰	٪۷,۲۸	۶
D۱۵	القای مبارزه مشروع با نظام و محق بودن معترضین در برخورد سخت و حذف فیزیکی نیروهای نظام	۱۸۰۵	٪۴,۹۲	۱۳

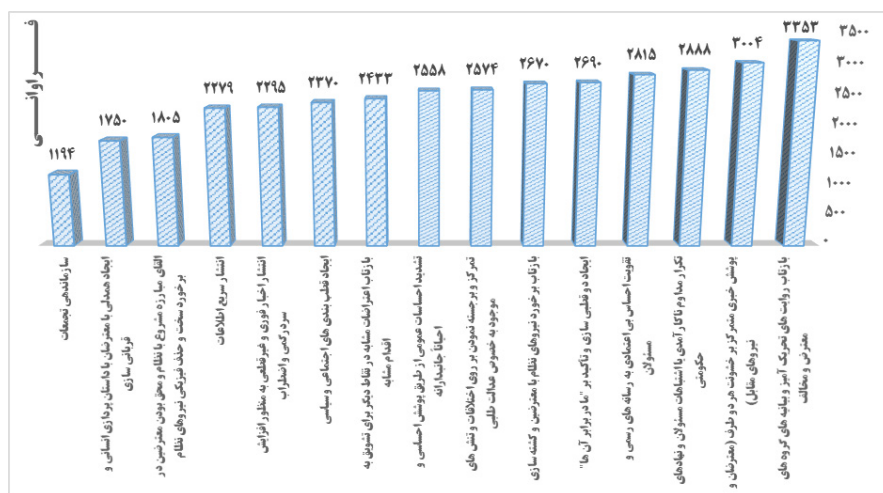
در تحلیل داده‌های احصاء شده از نرم‌افزار MaxQDA اولویت‌بندی و درصد فراوانی مؤلفه‌های مؤثر بر تشدید ناآرامی به شرح زیر تبیین گردیده است:

بازتاب روایت‌های تحریک‌آمیز و بیانیه‌های گروه‌های معترض و مخالف با ۹/۱۴ درصد، پوشش خبری متمرکز بر خشونت هر دو طرف (معترضان و نیروهای مقابل) با ۸/۱۹ درصد، تکرار مداوم ناکارآمدی یا اشتباهات مسئولان و نهادهای حکومتی با ۷/۸۷ درصد، تقویت احساس بی‌اعتمادی به رسانه‌های رسمی و مسئولان با ۷/۶۷ درصد، ایجاد دو قطبی‌سازی و تأکید بر «ما در برابر آن‌ها» با ۷/۳۳ درصد، بازتاب برخورد نیروهای نظام با معترضین و کشته‌سازی با ۷/۲۸ درصد، برجسته



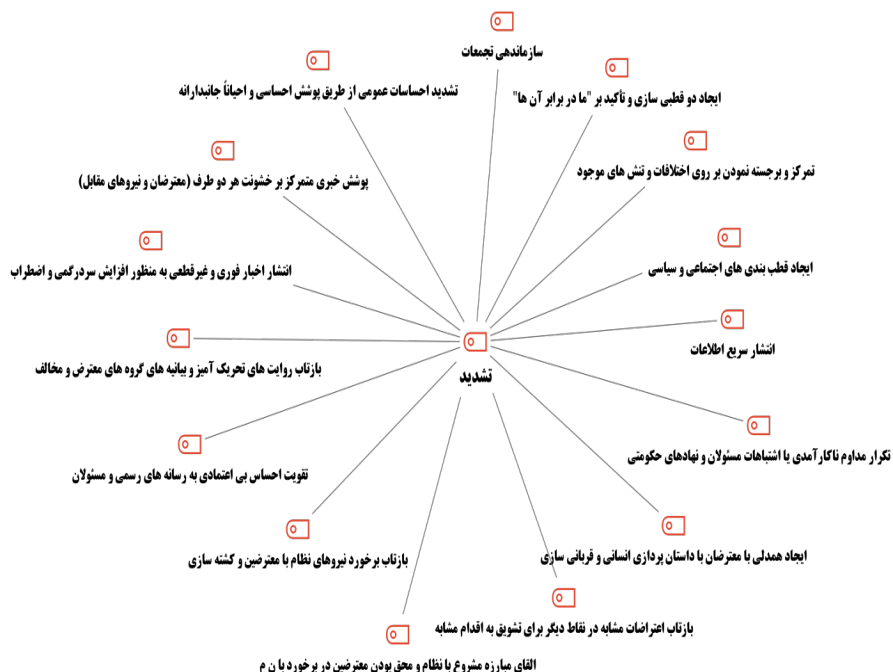
نمودن و تمرکز بر روی اختلافات و تنش‌های موجود به‌خصوص عدالت‌طلبی با ۷۰۲ درصد، تشدید احساسات عمومی از طریق پوشش احساسی و احیاناً جانبدارانه با ۹۷ درصد، بازتاب اعتراضات مشابه در نقاط دیگر برای تشویق به اقدام مشابه با ۶۳ درصد، ایجاد قطب‌بندی‌های اجتماعی و سیاسی با ۴۶ درصد، انتشار اخبار فوری و غیرقطعی به‌منظور افزایش سردرگمی و اضطراب با ۲۶ درصد، انتشار سریع اطلاعات با ۲۱ درصد، القای مبارزه‌ی مشروع با نظام و محق بودن معترضین در برخورد سخت و حذف فیزیکی نیروهای نظام با ۹۲ درصد، ایجاد همدلی با معترضان با داستان‌پردازی انسانی و قربانی‌سازی با ۷۷ درصد و سازماندهی تجمعات با ۲۶ درصد.

نمودار شماری ۱: رتبه‌بندی مؤلفه‌های مؤثر در تشدید ناآرامی



با استفاده از نرم‌افزار MaxQDA، نمودار ارتباطی مؤلفه‌های مؤثر در مرحله‌ی تشدید در ناآرامی‌های ۱۴۰۱ طراحی و خروجی آن به‌شرح نمودار شماری ۲ قابل مشاهده است.

نمودار شماره ۲: مؤلفه‌های مؤثر در تشدید ناآرامی



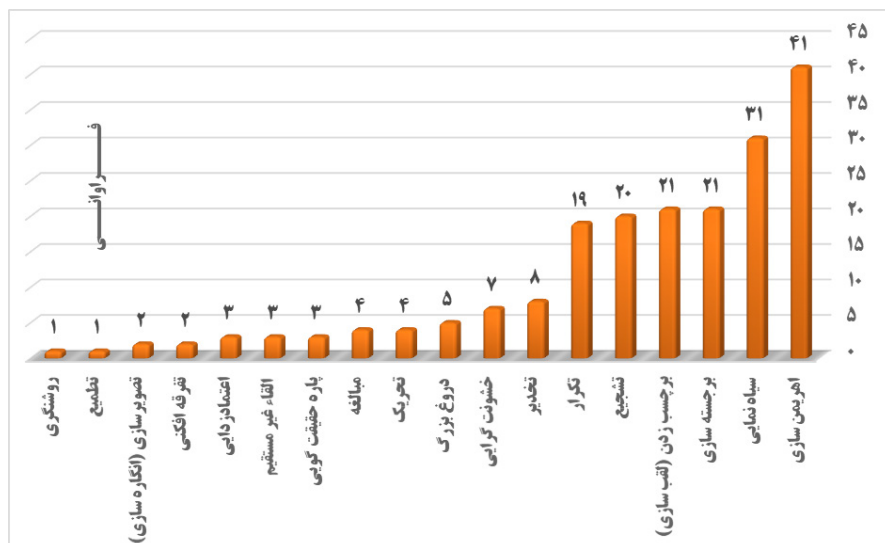
با استفاده از نرم افزار MaxQDA، تکنیک‌های جنگ رسانه‌ای به کار گرفته شده توسط شبکه‌ی ماهواره‌ای ایران اینترنشنال در تشدید ناآرامی‌های ۱۴۰۱ احصاء و فراوانی آن‌ها به شرح جدول شماره ۲ قابل مشاهده است.



جدول شماره ۲: فراوانی تکنیک‌های جنگ رسانه‌ای در مرحله‌ی تشدید ناآرامی‌های ۱۴۰۱

رتبه بندی	درصد فراوانی	فراوانی	تکنیک‌های جنگ رسانه‌ای
۱	٪۱	۴۱	اهریمن سازی
۲	٪۰,۲۲	۳۱	سیاه نمایی
۳	٪۲	۲۱	برجسته سازی
۴	٪۱,۸۹	۲۱	برچسب زدن (لقب سازی)
۵	٪۱۵,۶۷	۲۰	تشجیع
۶	٪۲,۳۳	۱۹	تکرار
۷	٪۱۹,۸۹	۸	تخدير
۸	٪۰,۷۸	۷	خشونت گرایی
۹	٪۱,۱۱	۵	دروغ بزرگ
۱۰	٪۷	۴	تحريك
۱۱	٪۱,۱۱	۴	مبالغه
۱۲	٪۱	۳	پاره حقيقت گویی
۱۳	٪۰,۳۳	۳	القاء غير مستقيم
۱۴	٪۰,۲۲	۳	اعتمادزدایی
۱۵	٪۳	۲	تفرقه افکنی
۱۶	٪۱,۸۹	۲	تصوير سازی (انگاره سازی)
۱۷	٪۱۱,۵۶	۱	تطمیع
۱۸	٪۰,۲۲	۱	روشنگری

تکنیک‌های مورد استفاده‌ی شبکه‌ی ایران اینترنشنال در تشدید ناآرامی‌های ۱۴۰۱ به ترتیب اولویت، به شرح نمودار شماره ۳ هستند:



یافته‌های پژوهش

این پژوهش نشان می‌دهد که شبکه ایران اینترنت‌شنال در مرحله تشدید ناآرامی‌ها، از شگردهای رسانه‌ای مشخصی برای هدایت افکار عمومی به سوی خشونت، بی‌ثباتی، و واگرایی اجتماعی بهره برده است. این تکنیک‌ها به صورت هدفمند و منسجم در مقاطع حساس اعتراضات تکرار شده‌اند. عادی‌سازی خشونت:

با نمایش مکرر صحنه‌های درگیری، آتش‌زدن اموال عمومی، و حمله به نیروهای پلیس به عنوان «مقاومت مدنی»، رسانه تلاش کرده خشونت را یک کنش طبیعی، مشروع و حتی افتخارآمیز جلوه دهد.

تحریک انتقامی:

با تمرکز بر روایت‌های احساسی نظیر «کشته‌شدن نوجوانان»، «مادران دادخواه» یا «قربانیان سرکوب»، مخاطب به اقدام متقابل یا انتقام احساسی تحریک می‌شود. این تکنیک با احساسات عمیق فرهنگی-ملی در جامعه ایرانی بازی می‌کند.

تصویرسازی از فروپاشی:

از طریق تحلیل‌های تکراری مهمانان اپوزیسیون، القا می‌شود که حاکمیت در آستانه سقوط کامل قرار دارد. این امر، بی‌ثباتی روانی مخاطب و تمایل به مشارکت در اغتشاشات را افزایش می‌دهد.



مشروعیت‌زدایی شدید:

خطاب‌های تکرار شونده‌ای همچون «رژیم قاتل»، «دیکتاتور»، «سازمان سرکوب» و نظایر آن، جایگزین تحلیل‌های واقعی شده‌اند تا پایه‌های ذهنی اعتماد عمومی از بین برود.

نمادسازی خشن:

با تبدیل برخی چهره‌ها به «شهادی خیابان»، ساخت اسطوره از افراد اغتشاشگر، و ترویج شعارهای خشن، الگوی هویتی مبتنی بر درگیری فیزیکی شکل می‌گیرد.

القای هراس اجتماعی:

با روایت‌های متعدد از شکنجه، گم‌شدن نوجوانان، تجاوز در بازداشتگاه‌ها و ترس از دستگیری، احساس امنیت روانی مردم تضعیف شده و مشارکت آن‌ها در خشونت توجیه‌پذیر می‌شود.

نتایج و بحث روی نتایج

پژوهش حاضر با هدف تحلیل شگردهای رسانه‌ای شبکه ایران اینترنشنال در مرحله تشدید ناآرامی‌های ۱۴۰۱ انجام شد. در این مرحله، رسانه‌ها به‌ویژه شبکه‌های معارض، به‌جای روایت واقعیت، در مقام طراح و تشدید کننده بحران ظاهر شدند. نتایج تحلیل محتوای ۸۸ قسمت برنامه «چشم‌انداز» نشان داد که این شبکه با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از شگردهای ارتباطی و روانی، تلاش داشته است تا زمینه‌های عادی‌سازی خشونت، تحریک عمومی، القای فروپاشی و تخریب بنیان‌های اعتماد اجتماعی را فراهم آورد.

یافته‌ها نشان داد که تکنیک‌هایی نظیر عادی‌سازی خشونت، تحریک انتقام‌جویانه، تصویرسازی فروپاشی نظام، و نمادسازی خشن، مؤثرترین ابزارهای رسانه‌ای در مرحله تشدید بوده‌اند. این تکنیک‌ها با استفاده از عناصر احساسی، تصویرهای خشونت‌بار، و تکرار جهت‌دار، در تلاش‌اند ذهن مخاطب را از اعتراض مدنی به درگیری خیابانی سوق دهند.

با توجه به ابعاد روانی-ادراکی این جنگ رسانه‌ای، پیشنهادهای پژوهش در سه سطح ارائه می‌شود:

الف) پیشنهادهای رسانه‌ای

• بازطراحی روایت رسمی با زبان اقناعی، نه صرفاً خبری (برای بازیابی اعتماد مخاطب و رقابت با روایت‌های معارض)؛

• افزایش حضور رسانه‌های داخلی در بحران‌ها با موضع فعال، نه منفعل؛



- مقابله هوشمند با تاکتیک‌های رسانه‌های معارض از طریق برنامه‌سازی هدفمند و روایت متقابل.

(ب) پیشنهادهای امنیتی و شناختی

- تقویت واحدهای تحلیل لحظه‌ای رسانه‌های دشمن در مراکز امنیتی و دانشگاهی؛
- تدوین پیوست رسانه‌ای برای مدیریت بحران‌های شهری و اعتراضات اجتماعی؛
- توسعه سامانه‌های هشدار زود هنگام ادراکی برای رصد عملیات روانی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی.

(پ) پیشنهادهای اجتماعی و آموزشی

- افزایش آموزش سواد رسانه‌ای به شیوه غیر رسمی (در مدارس، فضای مجازی، سمن‌ها و...؛
- تولید محتوای هنری و رسانه‌ای درباره‌ی تبعات خشونت رسانه‌ای و دروغ‌سازی؛
- بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان بومی برای ترمیم اعتماد اجتماعی و پیشگیری از موج‌سواری رسانه‌ای.

پژوهش حاضر، بخشی از یک منظومه علمی برای درک پیچیدگی‌های جنگ ترکیبی رسانه‌ای در ایران معاصر است. استمرار پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، گامی اساسی برای ارتقاء ظرفیت ملی در برابر تهدیدات ادراکی و شناختی رسانه‌های بیگانه خواهد بود.



منابع

۱. بوزان، بَری. (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و ترس. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر کویر.
۲. تیلی، چارلز. (۱۳۸۷). جنبش‌های اجتماعی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر ثالث.
۳. مک‌کوایل، دنیس. (۱۳۹۰). نظریه ارتباطات جمعی. ترجمه پرویز اجتهادی. تهران: مرکز.
۴. گروه مؤلفان. (۱۳۸۷). آیین نامه عملیات روانی ارتش امریکا (FM ۳۳-۱). ترجمه علی اکبر عبدی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. کیقبادی، عباس. (۱۳۹۸). امپریالیسم رسانه‌ای و چالش‌های فرهنگی ایران. تهران: سمت.
۶. رهبری، محمد. (۱۴۰۱). «سیاست‌های رسانه‌ای اپوزیسیون در شکل‌دهی اعتراضات شهریور ۱۴۰۱». ۱۹(۲)، ۹۱-۱۰۸.
7. Neuendorf, K. A. (2017). The Content Analysis Guidebook (2nd ed.). Los Angeles: Sage.
8. McQuail, D. (2010). McQuail's Mass Communication Theory (6th ed.). London: Sage.
9. Entman, R. M. (1993). Framing: Toward Clarification of a Fractured Paradigm. Journal of Communication, 43(4), 51-58.
10. Tilly, C. (2006). Regimes and Repertoires. Chicago: University of Chicago Press.
11. Buzan, B. (1991). People, States and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era (2nd ed.). London: Harvester Wheatsheaf.
12. Debord, G. (1995). The Society of the Spectacle. Zone Books.
13. Schiller, H. I. (1976). Communication and Cultural Domination. New York: International Arts and Sciences Press.